

نشریه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)  
سال یازدهم، شماره اول، پیاپی ۳۲، بهار ۱۳۹۶، صص ۹۱-۱۱۶

## ضرورت تصحیح مجدد کتاب معارف بهاء‌ولد

بهمن نزهت\*

### چکیده

معارف بهاء‌ولد به اهتمام بدیع‌الزمان فروزانفر، با تمرکز بر چهار نسخه خطی برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ شمسی به صورت علمی و انتقادی تصحیح و منتشر شد. مصحح سعی کرده است اجزای سه‌گانه معارف را به صورت روایتی واحد تصحیح کند؛ اما در این تصحیح از مقابله نسخه چاپی او با دیگر نسخه‌های کهن و گاه اخیراً شناسایی شده نشانی نیست. این موضوع گویا به سبب نبود فرصت کافی برای شناسایی نسخه‌های کامل و معتبر کتاب معارف بوده است. از سوی دیگر برخی کاستی‌ها در مراحل نسخه‌شناسی، شیوه تصحیح و ویرایش متن، ابهام‌هایی در متن ایجاد کرده است که خوانش و فهم آن را برای خواننده دشوار می‌کند. در این پژوهش علاوه بر نقد و بررسی نسخه‌های خطی معارف، نخست، نسخه‌های خطی کاربردی فروزانفر به‌طور کامل معرفی می‌شود؛ سپس برخی از نواقص و کاستی‌های این تصحیح با استناد به نسخه کهن ایاصوفیا و نسخه نویافته کتابخانه قونیه بیان خواهد شد.

### واژه‌های کلیدی

بهاء‌ولد؛ تصحیح انتقادی؛ معارف؛ نسخه شناسی؛ نسخه خطی.

---

\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. [b.nozhat@urmia.ac.ir](mailto:b.nozhat@urmia.ac.ir)

## ۱- مقدمه

بهاء‌ولد (۶۲۸ - ۵۴۵ ق) عارف بزرگی است که در شکل‌گیری آراء و اندیشه‌های عرفانی فرزند نامدار خود، مولوی تأثیر بسزایی داشته است. او در بیان معارف و حقایق عرفانی، سرآمد روزگار خود بود و در میان هم‌عصران خود به لقب سلطان‌العلماء شهرت داشت (سپهسالار، ۱۳۶۸: ۲۰-۲۲)؛ (افلاکی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۰-۹). بهاء‌ولد در زمان سکونتش در بلخ، معارف عرفانی را با فروتنی کامل در مجالس وعظ و حکمت، به طالبان و سالکان راستین عرضه می‌کرد. مجموعه سخنان بهاء‌ولد را شاگردان و اطرافیان او بعد از درگذشتش در مجموعه‌ای گرد آوردند و از آن با عنوان «معارف» یاد کردند. افلاکی نیز در مناقب‌العارفین از مجموعه سخنان بهاء‌ولد با عنوان «معارف» یاد می‌کند و بر آن است که مولانا این کتاب را پیوسته مطالعه می‌کرد: «روزی خدمت مولانا قطب‌الدین شیرازی رحمه الله علیه به زیارت مولانا آمده بود و حضرتش به معارف پدر کریم خود گرم شده بود» (افلاکی، ۱۳۶۲: ج ۱/ ۱۷۶). در میان متون عرفانی فارسی، معارف بهاء‌ولد، تنها اثری است که نخستین بار نام خاص معارف بدان اختصاص یافته است.

بهاء‌ولد در معارف برای تبیین برتری شریعت، به صورت خطیبی جدی و توانا ظاهر می‌شود و در تفسیر آیات، احادیث، تعبیر مفاهیم ذهنی و تبیین نکات باریک و ژرف عرفانی توانایی شگرفی از خود نشان می‌دهد. کتاب معارف دربردارنده گزارش‌های احوال باطنی و جزئیات زندگی عرفانی و روزمره بهاء‌ولد است؛ هم‌چنین نتیجه مشاهدات روحانی شکل گرفته بر پایه اندیشه‌های دینی و اعتقادی او، در آن موجود است.

جلد اول معارف، نخستین بار در سال ۱۳۳۳ شمسی به اهتمام بدیع‌الزمان فروزانفر به صورت علمی و انتقادی و همراه با مقدمه‌ای درباره ارزش و اهمیت ادبی و عرفانی این اثر به چاپ رسید. معارف بر اساس این چاپ، مشتمل بر سه دفتر مستقل و مجزاست. هر دفتر از فصل‌های مستقل و متعددی تشکیل می‌شود؛ فروزانفر در زمان تصحیح، این فصول را شماره‌گذاری کرده است. بنابر شمارش او این سه دفتر در مجموع ۲۶۸ فصل است. فروزانفر در تصحیح علمی این اثر بسیار کوشیده است؛ اما باز کاستی‌ها و نواقصی در متن وجود دارد که گاهی خوانش و فهم آن را برای خوانندگان و علاقه‌مندان این کتاب، دشوار می‌کند. با توجه به ساختار ادبی عرفانی منحصربه‌فرد معارف، همانند ساخت نحوی، ساختار جملات، واژه‌های نادر، حالات و تجارب پیچیده و عمیق

عرفانی، داشتن متنی منقح و صحیح از این اثر ارزشمند ضروری به نظر می‌رسد. در این نوشته افزون بر توجه به مباحث نسخه‌شناسی معارف و شیوه تصحیح آن، برخی از نواقص این تصحیح علمی و انتقادی نیز توضیح داده می‌شود.

نسخه کهنی از جزو چهارم معارف در کتابخانه موزه قونیه وجود داشت؛ نسخه عکسی آن در اختیار فروزانفر گذاشته شد و او آن را در سال ۱۳۳۶ شمسی با عنوان «جلد دوم معارف» چاپ کرد. نسخه قونیه منحصر به یک نسخه خطی است که اول و آخر آن افتاده است و تاریخ کتابت ندارد، از این رو تصحیح جزو چهارم معارف به صورت تک نسخه‌ای صورت گرفته است. تصحیح و ویرایش جدید جزو چهارم، اخیراً به اهتمام ساسان زندمقدم انجام شد؛ مصحح در مقدمه کتاب درباره قدمت و اصالت نسخه قونیه و هم‌چنین کاستی‌های نسخه عکسی قونیه، یعنی نسخه اساس کار فروزانفر، نکات درخوری را مطرح کرده است (رک. بهاء‌ولد، ۱۳۹۴: ۵-۱۲).

## ۲- نقد نسخه‌شناسی کتاب معارف

فروزانفر در مقدمه جلد اول معارف درباره اهمیت کتاب و ضرورت تصحیح و چاپ آن می‌گوید: «حل بسیاری از غوامض و مشکلات مثنوی شریف به دلالت و هدایت این کتاب باز بسته است و فهم اسرار کلمات پسر جز به وسیله آگاهی از اشارات لطیف پدر میسر نیست و هم روا نمی‌دید که این اثر نفیس که ظاهراً تذکره‌نویسان از وجود آن بی‌خبر بوده‌اند بیش از این در زیر گرد خمول و خاکستر گمنامی بماند و عاشقان مولانا و شیفتگان آثار وی از تفرج این گلستان غیبی و بوستان روحانی بی‌نصیب باشند از این رو جزو اول کتاب را با نسخه ناقص تهران که در دست داشت مقابله و برای طبع آماده نمود» (بهاء‌ولد، ۱۳۸۲: ج ۱/ الف - ب). وی با چنین نگرشی به کتاب معارف، سه جزو کامل آن را بر اساس سه نسخه موجود در کتابخانه‌های ترکیه و یک نسخه متعلق به استاد علی اکبر دهخدا، با عنوان «جلد اول معارف» تصحیح و منتشر کرد.

سعی و دقت علمی فروزانفر در تصحیح معارف در نوع خود شایسته تقدیر و ستودنی است؛ البته او به نوعی از نواقص تصحیح خود آگاه بود و به همین سبب در سرانجام کار بیان می‌کند که این تصحیح «مطابق مطلوب صورت نگرفت» (همان: ج ۱/ ج). به نظر می‌رسد یکی از دلایل نامطلوبی این تصحیح، چنان‌که مصحح خود نیز بدان اشاره کرده است، تعجیل و شتاب وی در

شناساندن و معرفی این اثر ارزشمند به محافل علمی بود. فروزانفر در هنگام تصحیح معارف به نسخه‌های زیر دسترسی داشته است. او به جز نسخه کتابخانه ایاصوفیا که دیر به دستش رسید، از دیگر نسخه‌ها به‌طور کامل استفاده کرده است:

۱- نسخه کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۱۷۱۶ در ۲۳۲ برگ که به خط نسخ در سال ۷۴۷ کتابت شده است و هر صفحه پانزده سطر دارد. این نسخه بر جزو اول و قسمتی از جزو دوم مشتمل است. فروزانفر در زمان تصحیح جزو اول معارف این نسخه را در اختیار نداشت.

۲- نسخه دانشگاه استانبول به شماره ۶۰۲ مشتمل بر سه جزو کامل معارف و به خط نسخ جلی بین سالهای ۹۹۴ و ۱۰۰۰ هجری قمری، جزو اول و دوم در سال ۹۹۴ و جزو سوم در سال ۱۰۰۰، کتابت شده است و هر صفحه بیست و یک سطر دارد. فروزانفر این نسخه را در چاپ جزو اول اساس کار قرار داد؛ اما در جزو دوم نسخه ایاصوفیا در جایگاه نسخه اساس و این نسخه برای نسخه‌بدل استفاده شد و اختلاف‌ها را بیان کرد. این نسخه در مقایسه با نسخه ایاصوفیا، اضافات و گاهی فصول مشابهی داشته که فروزانفر آنها را بلافاصله بعد از اتمام نسخه ایاصوفیا در متن گنجانده است.

۳- نسخه دانشگاه استانبول به شماره ۱۲۷۴ که فقط جزو سوم را دارد و در صد و هشت برگ به خط نسخ جلی در سال ۹۶۵ کتابت شده و هر صفحه هفده سطر دارد. فروزانفر در تصحیح جزو سوم معارف این نسخه را اساس کار خود قرار داد و آن را با نسخه دیگر مقابله کرد.

۴- نسخه ناقص تهران که از آن استاد علی‌اکبر دهخداست. این نسخه هفتاد و هفت برگ دارد که هر صفحه بر هفده سطر مشتمل است. در سال ۹۵۶ کتابت شده و چند برگ از اول و اواسط آن افتاده است.

**- نسخه ایاصوفیا به شماره ۱۷۱۶:** در ظاهر چنان به نظر می‌رسد که این نسخه یکی از کهن‌ترین نسخه‌های موجود معارف است. این نسخه در بردارنده دو جزو اول و دوم معارف است؛ اما نسخه کاملی نیست. ابعاد این نسخه  $۲۳۰ \times ۱۳۰$  میلی‌متر با جلد چرمی در دوپست و سی و دو صفحه است. کتابت نسخه به خط نسخ و همه صفحات آن پانزده سطری است. هم‌چنین کنار همه صفحات با دو جدول (مجدول) به رنگ سرخ آراسته شده است. جزو اول معارف در این نسخه بدون ترقیمه به پایان رسیده است. طبق ترقیمه جزو دوم آن، کاتب نسخه «مسعود بن ابراهیم بن

محمود بن ارتق المقری» است. فروزانفر باتوجه به تاریخ موجود در این ترقیمه، سال کتابت آن را ۷۴۷ نوشته است. در ظهر نخستین برگ نسخه، عبارتی درخور تأمل وجود دارد. در این ظهر بعد از ذکر حدیثی از حضرت رسول اکرم (ص) ضمن اشاره به نام کتاب معارف، به تاریخ تحریر آن به صراحت اشاره شده است: «من أكل طعاماً و نظر ذوعینین أعطاه الله تعالی داءً لا دواءَ له. کتاب المعارف تحریراً فی الیوم الثالث و العشرین من شهر جمادی الاول سنه ست و تسعمائة» (رک). تصویر شماره ۱). این عبارت از نونویسی این نسخه و تحریر جدید آن در بیست و سوم ماه جمادی الاول سال ۹۰۶ خبر می‌دهد و بیانگر آن است که کاتب نسخه خود را از نسخه مورخ ۷۴۷ رونوشت کرده است. فروزانفر به این ظهر هیچ توجهی نکرده است.

باتوجه به اهمیت ظهريه‌ها در تعیین هویت، اعتبار و ارزش تاریخی و معنوی نسخه‌ها، ظهر نسخه ایاصوفیا از نظر نسخه‌شناسی تاریخی درخور تأمل است. خط این ظهريه بسیار شبیه خط متن نسخه است و درصورت درستی مطالب آن، چنین به نظر می‌رسد که کاتبی دانشمند و اهل فن نسخه کهن نوشته شده در سال ۷۴۷ را اساس تحریر خود قرار داده است؛ سپس بعد از اصلاح کاستی‌ها و خطاهای آن با مقابله نسخه‌های دیگر، دقیقاً ترقیمه همان نسخه اصل را در پایان تحریر خود آورده است تا تأییدی بر اصالت و اعتبار تحریر خود باشد. نوع خط، زیبایی صورت کتابت و طرز آرایش صفحات از ویژگی‌های مهم کتابت در سده نهم و بعد از آن است و همین عوامل، به‌نوعی دلیلی بر این مدعاست. کاتب در هنگام تحریر، علاوه بر مشخص کردن پایان جمله‌ها با نقطه‌هایی سرخ‌رنگ، هر جا نواقصی دیده با علامت «صح» آن را تصحیح کرده است؛ هم‌چنین در حاشیه متن، عبارات ناقص عربی را در جدولی مثلث شکل به‌صورت منظم نوشته است.

در ابتدای صفحه برگ ۲ آ عبارت «کتاب ترجمه عوارف المعارف مع رساله اخری» نوشته شده است؛ در زیر آن نیز به زبان ترکی آمده است: «این کتاب ۲۳۲ برگ است».

در برگ ۳ آ بالای صفحه عبارات «کتاب المعارف مع رساله اخری فی النصایح فی مجلد واحد»، «ترجمه عوارف المعارف» و یادداشت «این معارف بهاء‌ولد را دوبار گذاشتم در محفل درویشان مد الله ظلّه در وقت نماز عصر» نمایان است. سپس در همین برگ به خط ثلث درشت نوشته شده است: «کتاب معارف» و در زیر آن نشان مهر واقف با این عبارت درج شده است: «قد وقف هذه النسخة الجليلة سلطان الاعظم و الخاقان المعظم مالک البرین و البحرین خادم الحرمین

الشریفین السلطان ابن سلطان السلطان الغازی محمودخان». منظور از محمودخان، سلطان محمود اول، پسر سلطان مصطفی ثانی، یکی از سلاطین عثمانی است که بین سالهای ۱۱۴۳-۱۱۶۸ در قید حیات بود و نسخه‌های خطی متعددی را به کتابخانه سلیمانیه وقف کرد. در همین صفحه ابیاتی از مثنوی مولوی نیز نوشته شده است.

در ترقیمه، نام کاتب نسخه اصلی و تاریخ پایان کار چنین قید شده است: «تمّ الكتاب بعون الله و حسن توفيقه و سعة رحمته علی یدی العبد الضعیف الراجی الی رحمته ربه اللطیف مسعود بن ابراهیم بن محمود بن ارتق المقری الفقیر السلیمانی لیلة التاسع من شهر جمادی الاخری من شهر سنه [؟] و سبعمائه و الصلوة و السلام علی محمد و آله الطاهیرین و الطیبین اجمعین». در نسخه، عبارت قبل از «و سبعمائه» واضح و خوانا نیست، به نظر می‌رسد فروزانفر آن را با حدس و گمان «سبع و اربعین» خوانده و ۷۴۷ نوشته است (رک. تصویر شماره ۲).

– نسخه دانشگاه استانبول به شماره ۶۰۲: این نسخه از نسخه‌های متأخر معارف و نسخه‌ای کامل است که سه جزو معارف را دربردارد. این نسخه به خط نسخ جلی کتابت شده است و اهل تحقیق به سبب خوش خطی، خوش خوانی و کامل بودنش به آن توجه دارند. این نسخه با جلد چرمی دارای ترنج و با ابعاد ۳۳۰ × ۲۱۰ میلی‌متر است؛ هم‌چنین دوپست و هفتاد برگ دارد و به جز صفحه اول که پانزده سطر است بقیه صفحات بیست و یک سطر است. همه صفحات با دو جدول (مجدول) سرخ آراسته شده و پایان بخش‌ها با عبارت «الله اعلم» به رنگ سرخ مشخص است. در جزو اول، پایان جمله‌ها با نقطه‌هایی سرخ معلوم است و در جزو سوم، آیات، احادیث و عبارات عربی با مرکب سرخ نوشته شده است. این نسخه درحقیقت نسخه مشهوری است که گولپینارلی نیز آن را در هنگام تدوین کتاب *مولانا جلال‌الدین مطالعه کرده و به معرفی آن پرداخته است (گولپینارلی، ۱۳۷۵: ۶۵).*

در ترقیمه‌های اجزای سه‌گانه آن آمده که «درویش مصطفی بن محمد بن احمد قونوی» نسخه را در سه دوره زمانی متفاوت کتابت کرده است. جزو اول آن در اواسط ماه ربیع الاول سال ۹۹۴، جزو دوم در اوایل ماه جمادی الآخر سال ۹۹۴ و جزو سوم در ظهر روز دوشنبه اوایل ماه جمادی الاول سال ۱۰۰۰ کتابت شده است. ترقیمه‌های اجزای سه‌گانه در این نسخه به ترتیب چنین است:

جزو اول: «تم الكتاب المعارف المجلد الاول فی اواسط ربیع الآخر سنه اربع و تسعین و

تسعمائۀ الهجریۀ النبویۀ کتبه الفقیر الحقیق المذنب المحتاج الی رحمۀ اللہ تعالیٰ درویش مصطفیٰ بن محمد بن احمد القنوی عفا عنهم العافی. رحم اللہ من نظر فیہ و دعا لکاتبہ و لجمیع المسلمین و المسلمات آمین تمّ. روزی کہ چرخ عمر عزیزم ہبا کند/ در زیر خاک بند ز بندم جدا کند. یا رب نگاہ دار تو ایمان آن کسی / کین خط من بخواند و بر من دعا کند. عربی: الخطّ یبقی زماناً بعد کاتبہ/ و کاتب الخطّ تحت التراب مدفون». کاتب ابیات فارسی و عربی را در پایان ترقیمۀ جزو اول، ضبط کردہ است؛ اما فروزانفر در چاپ خود آن را نیاورده است.

**جزو دوّم:** «تمّ المجلّد الثّانی من کتاب معارف/العوارف تألیف الشّیخ الامام الہمام سلطان العلماء فی الاّیام بین الانام فی تاریخ اوایل شهر جمادی الآخر سنہ اربع و تسعین و تسعمائۀ من ہجرۃ النّبی علیہ السّلام».

**جزو سوّم:** «تمّ المجلّد الثّالث من کتاب معارف/العوارف عن ید عبد الضعیف المحتاج الی رحمہ اللہ تعالیٰ مصطفیٰ بن محمّد بن احمد القنوی عفا عنهم العافی فی اوایل جمادی الاولی فی وقت الظہر و فی یوم الاثنین سنہ الف».

**نسخۀ دانشگاه استانبول بہ شمارۀ ۱۲۷۴:** این نسخہ ناقص است و فقط جزو سوم معارف را دارد. نسخہ بہ خط نسخ جلی و بہ دست علائی بن محبی الشیرازی دہم ماہ صفر در سال ۹۶۵ کتابت شدہ است. نسخہ در صد و ہشت برگ است و ہر صفحہ ہفدہ سطر دارد. نکتہ مهم و پراہمیت این نسخہ، نحوہ نسخہ برداری کتاب معارف و چگونگی دسترسی بہ اجزای سہ گانہ کتاب است کہ کاتب نسخہ در ترقیمہ خود، آن را این گونہ گزارش می دہد:

«تمّ المجلّد الثّالث من کتاب معارف/العوارف و بتمامہ تمّ المعارف یقول الفقیر الضعیف و الحقیق النّحیف علائی بن محبی الشیرازی الشریف انی جمعت ہذہ المعارف بعد ان کانت متفرّقہ فی اطراف البلاد و عند اشراف العباد و کان المشتہر عند المولیّہ من ہذہ المعارف سفر الاول الذی یقرأ عند مرقد مصنّفہ و مؤلّفہ و المجلّد الثّانی و الثّالث منها لم تکن مشہورہ بل مذکورہ و الحمد للہ الذی وفّقتی بجمع سفر الثّانی و الثّالث من ہذہ المعارف فی اقلّ مدّۃ عند تربتہ الشریفہ فی قونیہ المحمیۃ و المسئول من اللہ تعالیٰ ان یتفعوا اخوان الوفاء و خلان الصفاء و یذکرونی فی صالح دعواتہم و ایمن ساعاتہم لیكون دعاءہم لی عدۃ فی الدنیا و ذخیرۃ فی العقبی و وقع الفراغ من کتابہ ہذہ المعارف وقت السحر من لیلة الجمعۃ عاشر شهر صفر ختم بالخیر و الظفر فی جوار مزار

قایلها طاب ثراه و جعل الجنه مثنوا بتاریخ سنه خمس و ستین و تسعمائه من الهجره النبویه علیه الف صلاة و الف تحیه. نظم: ستبقی خطوطی فی الدفاتر برهه/ و انملتی تحت التراب رمیم. بماند سالها این جمع و ترتیب/ ز ما هر ذره خاک افتاده جای. مگر صاحب‌دلی روزی به رحمت/ کند در کار درویشان دعایی».

همان گونه که از محتوای این ترقیمه دریافت می‌شود کاتب نسخه، یعنی علایی ادعا می‌کند که جزو اول معارف در میان شاگردان و طرفداران بهاء ولد مشهور بوده است و آن را در جوار مرقد مؤلف می‌خواندند؛ اما جزوهای دوم و سوم شهرت فراگیر نداشت و برخی از مطالب آن در محافل به‌طور پراکنده بیان می‌شد؛ به همین سبب کاتب به گردآوری جزوهای دوم و سوم معارف همت گماشت. گولپینارلی بر آن است که علایی از مثنوی خوانان آرامگاه مولانا و یکی از طرفداران ایرانی مکتب مولوی است که اجزای سه‌گانه معارف را به شکل امروزی گردآوری کرده است (همان: ۶۶). البته باید توجه داشت که از این کاتب، تاکنون فقط همین جزو سوم به دست ما رسیده و از جزو اول و دوم که به دست او کتابت یافته است، هیچ اطلاعی نداریم. البته وجود نسخه‌های متعدد و فراوان جزو اول کتاب معارف در کتابخانه‌های معتبر ترکیه، دلیلی بر درستی ادعای علایی درباره شهرت این جزو است.

گفتنی است که نگارنده نیز نسخه‌هایی از معارف را شناسایی کرده است؛ اما این نسخه‌ها فقط بر جزو اول کتاب معارف مشتمل است؛ البته از نظر نوع کاغذ، جلد، خط و شیوه کتابت، ویژگی‌های آن مشابه نسخه‌های معتبر کهن است. این موضوع به‌نوعی دلیل موجهی بر این مدعاست که جزو اول معارف کهن‌ترین بخشی است که در حضور بهاء‌ولد و یا به دست خود وی به صورت منقح و کامل به نگارش درآمده و سپس نسخه‌های متعددی از آن در محافل عرفانی استنساخ شده است. بنابر برخی گزارش‌ها و شرح وقایع موجود در کتاب معارف، فروزانفر و گولپینارلی برآنند که برخی از فصل‌های معارف قبل از مسافرت بهاء‌ولد به قونیه تألیف شده است (بهاء‌ولد، ۱۳۸۲: لز)؛ (گولپینارلی، ۱۳۷۵: ۶۸). جزو اول معارف روایتی یک‌دست و واحد است و تصحیف و خطای کاتبان کمتر بدان راه یافته است، به همین سبب چنان می‌نماید که این متن را شاگردان و شاید مولوی و جانشینان او، یعنی حسام‌الدین و سلطان‌ولد که حفظ آثار خانواده عرفانی مولانا را بر عهده داشتند، بعد از درگذشت بهاء‌ولد تدوین کرده‌اند؛ هم‌چنین به نظر می‌رسد آن



قسمت از کتاب معارف که مولوی آن را مطالعه و گاهی نسخه‌نویسی یا تقریر می‌کرد و بعد از آشنایی با شمس تبریزی، شمس او را از خواندن آن منع کرد (افلاکی، ۱۳۶۲: ۳/۲ - ۶۲۲ و ۶۵۲)، همین بخش کهن یا جزو اول و بخش‌هایی از جزو دوم معارف بوده است.

اجزای دیگر معارف جزو سوم و بخش‌هایی از جزو دوم، گویا سخنان پراکنده بهاء‌ولد بوده که بعدها در میان پیروان و طرفداران بهاء‌ولد دست‌به‌دست گشته است و در تدوین نهایی، خانواده عرفانی او، یعنی مولوی، سلطان‌ولد و حسام‌الدین از آن بی‌خبر بودند و حتی شاید به آنان عرضه نشده است. از این رو در این اجزاء که در قرون متأخر یعنی از قرن ده به بعد به صورت منظم کتابت شده است، اضافات و الحاقاتی مشاهده می‌شود که نسخه‌های کهن آن را ندارد. نسخه‌هایی از این اجزاء با روایات مختلف در کتابخانه‌های ترکیه موجود است.

برای نمونه جزو دوم معارف در نسخه‌های دانشگاه استانبول شماره ۱۲۷۴ و ایاصوفیا شماره ۱۷۱۶، از نظر ترتیب فصول و سرآغاز، روایتی متفاوت دارد. چنان که نسخه ایاصوفیا با عبارت «یادم آمد که هو معکم گفتم باید که بینم جز سمع و بصر و عقل و ادراک و اختیار و حیوة و علم و قدرت خود نمی‌دیدم...» آغاز می‌شود و با عبارت «اگر مخدول باشی همه جهان در خذلان تو مخدول باشند فکان معناه من قتل نفسا ای نفسه فکائما قتل الناس جميعاً و من أحيها فکائما أحيها الناس جميعاً و الله اعلم.» انجام می‌یابد؛ اما نسخه دانشگاه استانبول با «اللم نجعل الأرض مهادا اجزای زمین را به همدگر پیوستیم و ترا بر وی نشانیدیم چون پادشاهان بر کرسی و یا تن ترا فراهم آوردیم...» شروع می‌شود و با عبارت «و کوی جانفزا نهاده‌ام و کوی غم نهاده‌ام چرا کویی نروی که هر ساعتی امید زیاده شود و تازه و تر باشی اگر چه خاک شوی و الله اعلم» به پایان می‌رسد.

نسخه شماره ۶۰۲ دانشگاه استانبول اضافاتی نسبت به نسخه ایاصوفیا دارد. این اضافات حدود چهل و شش فصل است؛ به همین سبب روایت هر دو نسخه از نظر نظم و ترتیب فصول با هم متفاوت است؛ هم چنین برخی اضافات نسخه دانشگاه استانبول در نسخه ایاصوفیا، دقیقاً تکرار شده و فروزانفر در زمان تصحیح جزو دوم معارف متوجه این مسأله نبوده است. وی پس از تمام شدن روایت نسخه ایاصوفیا در جایگاه نسخه اساس، بلافاصله بخش اضافات نسخه دانشگاه استانبول را بدون مقایسه با نسخه ایاصوفیا در متن وارد می‌کند و این به وجود فصول مشابه متعدد، در متن چاپی او می‌انجامد؛ اما مصحح با آگاهی کامل از این فصول مشابه، باز به روایت نسخه دانشگاه

استانبول اعتماد می‌کند و در توجیه آن می‌گوید: تکرار این فصول را «بی‌فایده ندانستیم.» (بهاء‌ولد، ۱۳۸۲: ۲۳۵). نسخه ایاصوفیا، از نظر درستی و اصالت، از قدیمی‌ترین نسخه‌های کتاب معارف است؛ به همین سبب نسبت به نسخه دانشگاه استانبول، احتمال ورود اقوال دیگران به ویژه الحاقات کاتبان، در آن بسیار کمتر است. به نظر می‌رسد فروزانفر با اعتماد به نسخه دانشگاه استانبول، نسبت به اضافات آن از نظر الحاقی بودن هیچ تردیدی نکرده است.

افزون‌بر این اخیراً نسخه‌ای با عنوان «نسخه شماره ۷۹ قونیه» شناسایی شده که شامل جزو اول و بخش‌های اندکی از جزو دوم معارف است. در این مجموعه فصولی ضبط است که در هیچ یک از نسخه‌های موجود معارف نیست. این نسخه از نسخه‌های معتبر مجموعه آثار خانواده عرفانی مولوی است؛ اما گویا بعدها در هنگام نسخه‌برداری اجزای کامل سخنان بهاء‌ولد، از دید کاتبان و نسخه‌نویسان دور مانده و به آن توجهی نشده است. فروزانفر در زمان تصحیح به این نسخه دسترسی نداشت. این نسخه اطلاعاتی از کتاب معارف و مؤلف آن ارائه می‌دهد که قبلاً درباره آن بی‌اطلاع بودیم.

**نسخه شماره ۷۹ قونیه:** این نسخه در مجموعه‌ای به شماره ۷۹ در موزه قونیه نگهداری می‌شود. این مجموعه به خط نسخ و شامل گفتارهایی از معارف بهاء‌ولد، فیه‌مافیه، مجالس سبعة مولانا، مقالات سید برهان‌الدین ترمذی و مقالات شمس تبریزی است. مطابق ترقیمه‌های پایان هر بخش، مجالس سبعة در سال ۷۵۳، مقالات شمس تبریزی در سال ۷۵۴ و معارف در سال ۷۵۵ کتابت شده است (تصویر شماره ۳). کاتب در جای‌جای نسخه به این نکته اشاره دارد که مطالب مجموعه از روی حواشی کتاب‌هایی نوشته شده است که مولانا به دست‌خط خود نوشته بود. عین نوشته کاتب در پایان بخش فیه‌مافیه چنین است: «از حواشی آن کتب که بدست‌خط مبارک خداوندگار بود قدس الله سرّه العزیز نقل افتاد.» در این مجموعه معارف بهاء‌ولد در برگ‌های ۱ تا ۱۷ و ۱۷۱ تا ۱۷۷ آمده و مطالب جزو اول به صورت انتخابی ضبط شده است. هم‌چنین در این نسخه برخی از قسمت‌های جزو دوم به اجمال نقل شده است و گاهی نیز سخنانی مشاهده می‌شود که در دیگر نسخه‌ها موجود نیست و به‌نوعی تازگی دارد. مطالب برگ‌های ۱۷۱ تا ۱۷۷، از این نوع است. متن زیر نمونه‌ای از این سخنان است:

«گفت به چه و چه دانیم شکر بر ما واجب است. جواب از آن وجه که ترا مزه‌ای است از راه

گوش و شم و ذوق و بصر و روش و علم و عقل و تمییز، رسولان شکر درآمده‌اند، در میان ایشان مستغرق شده‌ای و شکر می‌طلبی چنان‌که یکی بر ستور نشیند و ستور می‌طلبد. فاطر نزدیک است به تفتیر، یعنی شکافتن. آسمان را بشکافت به باران و بادهای خوش و هواهای گوناگون و آبهای روان، و زمین را بشکافت به نباتها و اشجار همچنان که قوم موسی را رود نیل بشکافت تا ایشان یکدگر را می‌دیدند. همچنین زمین و آسمان را بشکافت تا زمینیان آثار آسمانیان مشاهده می‌کنند از باران و بادهای هواها و روشنایی و خوشی، و آسمانیان از زمینیان از طاعات و معاصی و عقوبات... اگر گویند به چه دانستی که این آثار از اله است؟ گویم تو چه دانستی که این دست و لب و دندان بجنابیدی و چرا جنیدن این چیزها به خود حواله می‌کنی، نه اینها به خود نجنبند و هیچ کس از اینها به تو نزدیکتر نیست. پس زمینیان را ساعد بر آسمان نمی‌رسد و آسمان به زمین نمی‌رسد و شرق از غرب و علوی از سفلی مفارقت. پس ضروری کسی باید که اینها را در کار آرد و الله اعلم» (نسخه ۷۹، برگ ب ۱۷۴).

اهمیت و ارزش این نسخه در حفظ صورت کامل و صحیح برخی از روایات است؛ هم‌چنین در وجود برخی تقریراتی است که در هیچ یک از نسخه‌های خطی معارف ضبط نشده است؛ به همین سبب این نسخه در تکمیل و بازسازی روایت اصلی معارف و هم‌چنین در حل برخی از دشواری‌های متنی و نکته‌های مجعول و مجهول می‌تواند راهگشا باشد.

### ۳- شیوه تصحیح و کاستی‌های آن

فروزانفر شیوه تصحیح خود را در مقدمه کتاب معارف بیان کرده است. او نخست جزو اول معارف را بر اساس نسخه دانشگاه استانبول به شماره ۶۰۲ با مقابله نسخه ناقص تهران، یعنی نسخه متعلق به استاد علی‌اکبر دهخدا، در سال ۱۳۳۳ چاپ کرد. در پی آن جزو دوم را بر اساس همان نسخه دانشگاه استانبول و با مقابله با نسخه کتابخانه ایاصوفیا تصحیح کرد؛ اما به سبب کاستی‌های نسخه ایاصوفیا در مقایسه با نسخه دانشگاه استانبول، وی ناگزیر بقیه جزو دوم را بر اساس نسخه دانشگاه استانبول به صورت تصحیح قیاسی به انجام رساند و چنان‌که گفته شد اضافات این نسخه را نیز در متن چاپی ذکر کرد. در نهایت جزو سوم معارف بر اساس دو نسخه از دانشگاه استانبول تصحیح شد؛ یکی همان نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول به شماره ۶۰۲ بود و دیگری نسخه شماره ۱۲۷۴ از همان کتابخانه که مجتبی مینوی آن را تهیه کرده بود.

نخستین چیز درخور توجه در شیوه کار فروزانفر، نبود مباحث نسخه‌شناسی و نقد و بررسی دقیق و تعیین هویت نسخه‌های معارف است. نکات مهم در این باره آن است که با وجود دقت علمی بسیار فروزانفر در جستجو و انتخاب نسخه‌های خطی معارف، اما به نظر می‌رسد وی به شناخت و تعیین هویت نسخه‌های خطی توجه اندکی داشته و در معرفی کامل نسخه‌ها از این مهم چشم‌پوشی کرده است. در قلمرو فرهنگ اسلامی نسخه‌های خطی تنوع زمانی و مکانی متعددی دارد و اصول و قواعد نسخه‌شناسی هر نسخه‌ای منحصر به خود آن نسخه است؛ به همین سبب باید مصحح در شناسایی و معرفی هر نسخه‌ای دقت نظر خاصی داشته باشد و اطلاعات نسخه‌شناسی هر نسخه در مبحثی جداگانه و به‌طور دقیق ارائه گردد. ایرج افشار ضوابط حاکم بر نسخه‌شناسی و ارائه اطلاعات نسخه‌شناختی را در سه مبحث مهم این‌گونه مطرح می‌کند: «۱. آنچه مربوط به نسخه اصل مؤلف یا نسخه نزدیک به آن است. ۲. آنچه حاصل روش هنر کاتب و تصرفات کاتبان در طی قرون مختلف است. ۳. آنچه حاصل تصرف مالکان بعدی نسخه است که به صورت اصلاح و تغییر یا برافزوده‌های خارج از متن دیده می‌شود» (افشار، ۱۳۸۸: ۱۲۱). چنان می‌نماید که فروزانفر این مباحث را در هنگام تصحیح مدنظر قرار نداده و تنها به معرفی اجمالی هر نسخه و تاریخ کتابت آن اکتفا کرده است. درحقیقت این موضوع سبب شده است که او در انتخاب نسخه اساس نظر قاطعی نداشته باشد.

در این تصحیح انتقادی، هیچ بحث مستدل و درخور توجیهی درباره برتری و اعتبار نسخه‌های موجود و علت تعیین نسخه اساس و نسخه‌بدل‌ها بیان نشده است. از نظر شیوه تصحیح نیز به‌طور کلی نسخه اساس و ترتیب استفاده از نسخه‌های دیگر دقیقاً مشخص نیست. مصحح با وجود تلاش برای ارائه تصحیحی بر مبنای نسخه اساس، اما از دیگر شیوه‌های تصحیح یعنی تصحیح قیاسی و تصحیح التقاطی نیز بهره می‌برد و البته باز در این شیوه او ابهاماتی موجود است؛ هم‌چنین ارجاع به نسخه‌بدل‌ها و نقش آن در روشنی متن و رفع ابهام بسیار کم‌رنگ است.

مصحح با اساس قراردادن سه نسخه متفاوت، سه جزو معارف را تصحیح کرده است. وی نخست جزو اول معارف را به شیوه تصحیح بر مبنای نسخه اساس، با اساس قراردادن نسخه شماره ۶۰۲ دانشگاه استانبول و با مقابله نسخه ناقص تهران، تصحیح کرد؛ سپس با استفاده از نسخه ایاصوفیا، این نسخه را در جزو دوم، نسخه اساس قرار داد و با نسخه شماره ۶۰۲ مقابله کرد؛ اما به

سبب اضافات نسخه ۶۰۲ نسبت به نسخه ایاصوفیا، مصحح بعد از تمام شدن روایت نسخه ایاصوفیا، بلافاصله اضافات نسخه ۶۰۲ را بدون هیچ مبنایی در متن ذکر کرد؛ با چنین تلفیقی مصحح به‌گونه‌ای، از شیوه تصحیح خود بر مبنای نسخه اساس روگرداند. این تلفیق گویا بر اساس سلیقه مصحح بوده است و مبنای آن بر خواننده روشن نیست. از سوی دیگر مصحح در زمان تصحیح بخش اضافات، نسخه دیگری برای مقابله نداشت، پس این بخش را با شیوه تصحیح قیاسی انجام داد، در نتیجه جزو دوم با شیوه بینابین به پایان رسید (بهاء ولد، ۱۳۸۲: ج ۱/ج). مصحح سرانجام جزو سوم را نیز با اساس قرارداد نسخه شماره ۱۲۷۴ دانشگاه استانبول و مقابله با نسخه شماره ۶۰۲ تصحیح کرد.

فروزانفر درباره افزودن اضافات نسخه شماره ۶۰۲ به متن انتقادی خود هیچ دلیل موجهی ارائه نمی‌دهد. وی با اساس قرارداد نسخه ایاصوفیا سعی کرده است تا جزو دوم را به شیوه علمی و انتقادی تصحیح کند؛ اما در عمل بیشتر به نسخه شماره ۶۰۲ دانشگاه استانبول اعتماد کرده و بر آن تأکید داشته است. نسخه شماره ۶۰۲ از نسخه‌های متأخر است و حدود چهار قرن بعد از وفات بهاء‌ولد نگارش شده است؛ حال آنکه اصول و قواعد تصحیح علمی متون، چنین ایجاب می‌کند که برای تصحیح علمی و انتقادی، از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود استفاده شود که اصولاً کم‌حجم و ناقص است. به نظر می‌رسد امکانات و مطالعات محدود نسخه‌شناسی روزگار فروزانفر به وی اجازه نداد که اجزای اصلی و گوناگون کتاب معارف را به صورت اثری یک‌دست و واحد تصحیح کند. درحقیقت شیوه تصحیح او را به شیوه آزادی می‌توان تعبیر کرد که سرانجام در پی آن است تا بنابر سلیقه و ذوق خود متنی شبیه به روایت نهایی ارائه دهد.

چاپ کنونی کتاب معارف، نسخه نهایی این اثر و روایت اصلی بهاء‌ولد نیست؛ زیرا نسخه ایاصوفیا هنگامی به دست فروزانفر رسید که او فرصتی برای انتخاب آن در جایگاه نسخه اساس نداشت. با توجه به تاریخ کتابت نسخه ایاصوفیا، این نسخه هنوز از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود کتاب معارف است و در تصحیح متن، شایسته قرار گرفتن در جایگاه نسخه اساس و مقابله با دیگر نسخه‌هاست؛ از سویی دیگر بایسته است که اضافات نسخه‌های دیگر در پایان کتاب و در جایگاه الحاقات متن ذکر شود؛ به‌ویژه اضافات نسخه متأخر شماره ۶۰۲ که احتمال ورود گفتارهای دیگران و الحاقات کاتبان در آن بیشتر است.<sup>۱</sup> با چنین شیوه‌ای حداقل می‌توان اجزای سه‌گانه معارف را بر

مبنای نسخه‌اساس و بدون استفاده از تصحیح قیاسی یا التقاطی، به شیوه‌ای یکسان تصحیح کرد. در شیوه تصحیح قیاسی، با همه دقت و احتیاط، باز به سبب دخالت ذوق مصحح، احتمال لغزش، افزوده‌ها و کاستی‌های ناموجه در متن وجود دارد. همان‌طور که می‌دانیم تصحیح قیاسی بیشتر درباره آثار تک‌نسخه و غلط‌دار، کارایی دارد، حال آنکه از معارف حداقل دو نسخه کهن و معتبر (ایاصوفیا و قونیه) و دو نسخه متأخر ولی صحیح و خوش‌خوان (نسخه‌های شماره ۶۰۲ و ۱۲۷۴) موجود است؛ این نسخه‌ها با ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود می‌تواند در تصحیح بر مبنای نسخه‌اساس و ارائه متنی تقریباً منقح و دور از نقص، بسیار مفید و گره‌گشا باشد. به بیان برخی پژوهشگران این دو نسخه اکنون از کهن‌ترین و موثق‌ترین نسخه‌های موجود کتاب معارف است (لوئیس، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

#### ۴- نواقص کلی

منظور از نواقص افتادگی‌ها، اضافات و گاهی ضبط صورت‌های نادرست کلمات، ترکیب‌ها و عبارت‌هایی است که در هنگام تصحیح، به متن معارف راه یافته و آن را نامفهوم کرده است. در این تصحیح، کلمات و عبارات متعددی دیده می‌شود که برخی از آن با ضبطی نادرست، وارد متن شده و برخی دیگر نیز مبهم و نامفهوم است؛ البته در ظاهر چنان می‌نماید که از نظر مصحح و جهی داشته است. افزون‌بر این، عبارات دیگری نیز دیده می‌شود که ضبط آن ضعیف به نظر می‌رسد؛ اما چون فروزانفر نسخه‌های دیگری در اختیار نداشت، ناگزیر همان ضبط‌های ضعیف در متن ذکر شده است. چنان‌که گفته شد او در تصحیح خود از دو نسخه کهن و معتبر، یعنی نسخه کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۱۷۱۶ و دیگری نسخه شماره ۷۹ قونیه، استفاده نکرده است. در این نسخه‌ها، صورت صحیح و اصیل برخی از سخنان بهاء‌ولد ضبط شده است. اکنون با استناد به آنها، به‌ویژه به نسخه شماره ۷۹ قونیه که تاریخ کتابت قطعیت دارد، نمونه‌هایی از برخی نواقص و صورت صحیح آنها، بیان می‌کنیم:

صفحه ۲ سطر ۱۱: «و دید الله از من دید این اجزای منست که از الله در وی چندین چشمه

گشاده است و همچون سفره پر پیش من نهاده است».

در نسخه قونیه بعد از عبارت «همچون سفره پر پیش من نهاده است»، عبارت تشبیهی «و یا

چون انبان پر از گهر آکنده پیش من نهاده است» آمده است. این عبارت در نسخه ایاصوفیا به صورت ناقص ضبط شده است. این سخن انتزاعی بهاء‌ولد از دید وسیع او نسبت به صفات بی‌کران خداوند خبر می‌دهد، به همین سبب این عبارت تشبیهی در نسخه‌های کهن، در تکمیل و تفهیم سخنان او می‌تواند مؤثر باشد.

**صفحه ۲ سطر ۲۲:** «اکنون بیا تا الله را از بهر چه طلب می‌کنم از بهر همه مرادها که همه مرادها از الله حاصل می‌شود در سر مجموع مرادها نظر می‌کنم هر یک مراد را تمام نظر می‌کنم». در نسخه قونیه فعل «می‌کنم» به صورت منفی، یعنی «نمی‌کنم»، ضبط شده است که باتوجه به اسلوب متن صحیح می‌نماید. در نسخه ایاصوفیا نیز به صورت «نمی‌کنم» آمده است. بهاء‌ولد در این عبارت از مرادها و خواسته‌هایی سخن می‌گوید که خداوند همه آنها را به وی عطا کرده است؛ او آنها را نه به صورت یک کل واحد بلکه به طور جزئی و با استغراق کامل در یکایک آنها، مشاهده و تجربه می‌کند. مایر (Meier) بر آن است که در جهان‌بینی عرفانی بهاء‌ولد مفهوم جزء، کوچک‌ترین واحد ماده، بر اساس تفکر اصالت اتم یا ذره اسلامی شکل گرفته و بهاء‌ولد از طرفداران آن است. مطابق این نظریه «به گمان بهاء عناصر روحی و ذهنی نیز به اجزای کوچک‌تر تقسیم می‌شود». (مایر، ۱۳۸۲: ۲۴).

**صفحه ۶ سطر ۱۹:** «خیال خوشی‌ها بهشت است و خیال رنج‌ها در عالم عدم دوزخ است و بی‌خبر از هر دو حال و بعدم‌رفتن از اصحاب اعرافست اکنون ازین سه قسم ندیدم وجود خود را باز حواسم و هوشم مصروف می‌شد از الله و بجای دیگر می‌رفت». در متن، عبارت «اکنون از این سه قسم ندیدم» مبهم است و معنی و مفهوم اصلی جمله با این عبارت ناقص درک نمی‌شود. در نسخه قونیه و هم‌چنین ایاصوفیا عبارت به صورت «اکنون از این سه قسم خالی ندیدم» آمده است که صحیح و مفید معنی است. بهاء‌ولد خیال خوشی، رنج و بی‌خبری از این دو را به ترتیب به بهشت، دوزخ و اعراف تشبیه کرده است و وجود خود را از این سه حالت خالی نمی‌بیند.

**صفحه ۶ سطر ۲۰:** «گفتم ای الله چو هوش هوش من تویی این نظر من از تو کجا می‌رود». در این جمله با اینکه از حرف ندا مفهوم تعجب دریافت می‌شود، اما در اینجا، واژه «نظر» از نظر ساخت ادبی و محتوایی بیشتر جلب توجه می‌کند؛ زیرا مفهوم آن در رابطه با عبارت «هوش

هوش» مناسب و هم‌خوان نیست. در نسخه قونیه به جای واژه «نظر» واژه «هوش» ضبط شده است که باتوجه به اسلوب متن و قرینه‌های موجود در جملات بعد، صحیح می‌نماید. چنان‌که بعد از این جمله، جملاتی در متن آمده که متناظر و قرینه این جمله است و ابهام را رفع می‌کند: «گفتم ای الله چو هوش هوش من تویی این هوش من از تو کجا می‌رود و ای الله بینایی من تویی این بینایی من از تو کجا می‌رود و ای الله نظر نظر من تویی این نظر من از تو کجا می‌رود و ای الله دل دل من تویی این دل من از تو کجا می‌رود».

**صفحه ۷ سطر ۳:** «الله وجه حکمت و عبادت خود را بروح من بنماید و روح مرا میل به روش انبیا علیهم السلام دهد و الله بهر وجهی مرا چفساینده است بدان که خلق را راه نمایم آن حکمت را او داند».

واژه «چفساینده» در نسخه قونیه و نیز ایاصوفیا به صورت «چفسانیده» ضبط شده است. باتوجه به ضبط دو نسخه کهن، «چفسانیده» برتر می‌نماید و مفید معنی است. چفسانیدن از مصدر چفسیدن به معنی پیوستن و متصل شدن است (دهخدا: ذیل چفسیدن). در این عبارت بهاء ولد می‌گوید خدا مرا به راه انبیاء سوق داده و به روش آنان وصل کرده است.

**صفحه ۷ سطر ۲۴:** «چند عدد آدمی و حیوان در وقت نظر در شقه ادراک من می‌آید چون تاتار موی حقایق و تفاوت‌ها الله در ادراک من پدید می‌آرد».

واژه «تاتار» در عبارت بالا با محتوای جمله سازگار نیست. این واژه در نسخه قونیه و نیز در نسخه ایاصوفیا به صورت «تار تار» ضبط شده که با توجه به سیاق متن و در ارتباط با واژه «مو» صحیح و مفهوم می‌نماید.

**صفحه ۸ سطر ۱۲:** «ای الله این آش وجود مرا تو در پیش من نهاده‌ای بدین مرداری ... با چنین خوشی چگونه یابم همین در خود نظر کنم و بس که الله مرا این داده است تا این را به پیش بنهم و بگیرم و در حال او می‌نگرم».

در متن، جمله «با چنین خوشی چگونه یابم» ناقص و مبهم است. در نسخه قونیه جمله چنین ضبط شده است: «با چنین لقمه، خوشی چگونه یابم». واژه «لقمه» که نسخه اساس فروزانفر بدون آن است، جمله را کامل و مفهوم می‌کند. مشابه این عبارت در جملات قبل از آن نیز مشاهده می‌شود و بهاء‌ولد در آن وجود خود را به لقمه‌ای منغص تشبیه کرده است: «لقمه‌ای است بدین منغصی».



**صفحه ۱۱ سطر ۱:** «اللّه را گفتم که دلم گفت کتابی باید گفتم که چشمم گفت سحابی باید گفتم که تنم گفت خرابی باید باز اللّه را گفتم که دلم نماند گفت کتابی کم گیر گفتم». دو واژه «کتابی» در جملات بالا در نسخه قونیه و نیز در نسخه ایاصوفیا به صورت «کبابی» ضبط شده که باتوجه به اسلوب متن صحیح و مفید معنی است.

**صفحه ۱۱ سطر ۸:** «توحید را سبب قطع تردها کرده است و اشتراک را سبب پریشانی کرده است و هر حروف و اندیشه را مدار کرده است»

لفظ «اشتراک» در نسخه قونیه و هم‌چنین نسخه ایاصوفیا به صورت «اشراک» ضبط شده است. باتوجه به اسلوب متن منظور از آن، همان شرک و شریک قائل شدن برای خداست که با توحید منافات دارد؛ نیز واژه «اشتراک» در لغت به معنی شرک و شریک قائل شدن، کاربرد ندارد (لغت‌نامه دهخدا: ذیل اشتراک). بنابراین بر اساس ضبط نسخ کهن، لفظ «اشراک» در متن صحیح است.

**صفحه ۱۴ سطر ۱۲:** «بامداد در مسجد نشسته بودم هر کسی سلام می‌گفتند و سجود می‌کردند گفتم که ای اللّه روح مرا بر اینها عرضه می‌کند و روح مرا می‌آراید و آراسته بدینها می‌نماید». جملات بالا با این شیوه در متن چاپی آمده و مبهم و نارساست. در نسخه قونیه واژه «سلام» به صورت «سلامم» ضبط شده و حرف ندای «ای» در آن نیست و جمله چنین است: «هر کسی سلامم می‌گفتند و سجود می‌کردند گفتم که اللّه روح مرا بر اینها عرضه می‌کند...» باتوجه به اسلوب متن، ضبط نسخه قونیه صحیح می‌نماید و مفید معنی است.

**صفحه ۱۴ سطر ۲۴:** «باز نظر کردم در جهان نه اجزا و نه منبسط دیدم باز نظر کردم این جهان را و حده لا شریک له یافتم باز نظر کردم در صفات بی‌نهایتی و بی‌غایتی کردم دیدم که هیچ دریا در وی نمی‌نماید و ناچیز شود».

جمله «باز نظر کردم در صفات بی‌نهایتی و بی‌غایتی کردم دیدم» در متن پریشان است و معنی‌ای از آن حاصل نمی‌شود. در نسخه قونیه جمله به صورت کامل این‌گونه آمده است: «باز نظر در صفات بی‌نهایتی و بی‌غایتی می‌کردم، دیدم». در نسخه ایاصوفیا نیز چنین است که صحیح و کامل می‌نماید.

**صفحه ۱۵ سطر ۱۲:** «حسین را گفتم که نورزیدی تا اینجا که زمین مرده بود و غیر تو بود زنده شد اگر بورزی تا خود را نیز زنده کنی بطریق اولی بود».

فعل «نورزیدی» در نسخه قونیه به صورت «بورزیدی» ضبط شده که باتوجه به سیاق متن صحیح است. در نسخه ایاصوفیا نیز همین گونه ضبط شده است. ورزیدن به معنی سعی و مجاهده است. در عبارت بالا شخص با سعی و مجاهده زمین بایر را آباد می کند. چنان که فعل «ورزیدن» در چند جمله بعد نیز به صورت مثبت و در همین معنی آمده است: «این قدر حیاتت الله داده است اگر بورزی زندگی هدبت که این زندگی در برابر آن زندگی مردگی است».

**صفحه ۲۰ سطر ۱۰:** «باز در وقت ادراک معین من همچنان باز الله چون ادراک نماید بمن مرا بسیار چیزها معلوم شود.»

واژه «ادراک» در نسخه قونیه و هم چنین نسخه ایاصوفیا به صورت «اقبال» ضبط شده که وجه و مفید معنی است. در اینجا منظور از «اقبال نمودن» عنایت و توجه خاص حق نسبت به بنده است. **صفحه ۲۳ سطر ۲۴:** «باز گفتم که به هر کس سخن نمی باید گفتن که فروماند پس گفتم در دهان نگرم که چندین پرده است اندیشه سخن را تا از گزافه بیرون نیارم ازین پرده ها آری زبان راه باریک است مر عمل دل را.»

در نسخه قونیه و نیز در نسخه ایاصوفیا بعد از عبارت «پس گفتم در دهان نگرم» این عبارات آمده که مفهوم این جملات را کامل و روشن می کند: «پس گفتم در دهان نگرم که سه پرده است سخن گفتن را و در دل نگرم که چندین پرده است اندیشه سخن را...». به نظر می رسد نسخه اساس فروزانفر این عبارات را ندارد و به همین سبب در متن چاپی وی، پیوند مطلب میان این عبارات دشوار است.

**صفحه ۳۰ سطر ۱۲:** «بروی مادر نظر می کردم می دیدم که الله مرا چگونه رحم داده است و او را با من و هر چه در جهان غم است آن از رحمت الله است.»

در نسخه قونیه بعد از عبارت «مرا» عبارت «با وی» افزوده شده است که جمله را تکمیل و معنی را روشن می کند. در نسخه ایاصوفیا نیز چنین است. در نسخه قونیه واژه «غم» به صورت «غمی» ضبط شده است.

**صفحه ۳۲ سطر ۳:** «باز می دیدم که الله به تنهایی درین پرده غیب کارها می کند و همه کسانی را بر مراد می دارد و هیچ کس را به خود راه نمی دهد نه از فرشته نه از نبی نه از ولی.»

عبارت «بر مراد» گویا خطای کاتب است. در نسخه قونیه و ایاصوفیا به صورت «بی مراد» ضبط

شده که با توجه به سیاق متن صحیح است. مفهوم گفتار بهاء‌ولد این است که ذات خدا هیچ کس را به خود راه نمی‌دهد و همه افراد انسانی از رسیدن به این مراد ناتوان‌اند و خداوند آنان را در این مسیر بی‌مراد می‌گرداند.

**صفحه ۳۴ سطر ۲۴:** «دولت آنست که از پس خود لت ندارد و ملک آنست که دمادمش هلاکت نبود. شما همه خلیفه‌زادگان‌نهایت از گلخن‌تابی ننگ دارید».

در نسخه‌ی اساس فروزانفر درباره‌ی واژه‌های «هلاکت» و «خلیفه‌زادگان‌نهایت» ظاهراً تصحیفی صورت گرفته است. در نسخه‌های قونیه و ایاصوفیا این دو واژه به صورت «هَلک» و «خلیفه‌زادگانید» ضبط شده است. با توجه به سجع بین واژه‌های «هَلک» و «ملک» و هم‌چنین دوبار جمع بستن واژه «خلیفه‌زادگان» با نشانه‌های جمع فارسی، ضبط نسخه‌های قونیه و ایاصوفیا درست می‌نماید.

**صفحه ۳۹ سطر ۴:** «اکنون تو جهد می‌کن که تا یک در خیر بر خود می‌گشاد تا ماده در خیر بر تو بگشاییم و نیاز و اخلاصت می‌بدهیم».

فعل‌های «می‌گشاد» و «بگشاییم» در نسخه‌ی قونیه به صورت «می‌بگشایی» و «می‌بگشاییم» ضبط شده است و ظاهراً با توجه به اسلوب متن و زمان و صیغه‌ی افعال دیگر، صحیح می‌نماید. در نسخه‌ی ایاصوفیا نیز چنین ضبط شده است.

**صفحه ۹۷ سطر ۹:** «مریدان درین کلمات بی‌هوش شدند که آیا عاقبت ما چون عجب بود یعنی عقلست که عاقبت‌بین است و صابرست».

فروزانفر عبارت «چون عجب بود» را در متن بدون هیچ توضیح و ارجاعی به نسخه‌ی بدل به صورت «عجب چون شود» نوشته است. در نسخه‌ی قونیه و نیز ایاصوفیا به صورت «عجب چون شود» ضبط شده که صحیح است.

**صفحه ۹۸ سطر ۱ و ۲:** «اکنون زنجیر تعظیم و اعتقاد درست را در گردن خود افکنید خود شما را برکشید آن زنجیر تعظیم و آن اعتقاد درست تا رهایی یابید شما این حلقه پند را با اختیار خود در گوش کنید».

عبارات بالا در نسخه‌ی اساس مصحح به صورت «اعتقاد درست را در گردن خود را فکنید» و «حلقه پندار را» آمده است که گویا خطای کاتب است و مفید معنی نیست. این عبارات در نسخه‌ی

قونیه به ترتیب به صورت «اعتقاد درست را در گردن خود افکنید» و «حلقه پند» ضبط شده است و صحیح می‌نماید. فروزانفر این عبارات را همانند نسخه قونیه تغییر داده و بدون هیچ توضیحی در متن آورده است.

– گاهی مصحح از نسخه اساس رو برمی‌گرداند و برخی از افزوده‌ها و تغییرات قطعی و یقینی خود را بدون هیچ توضیحی میان دو قلاب در متن آورده است. به برخی از آنها اشاره می‌شود:

**صفحه ۱۳ سطر ۸:** «حق تعالی او را درد می‌فرستد که ای تن بر ما بدل گزیدی که کسی [که] از لطافت ذکر ما بازماند لاجرم بدرد کثافت غیر ما مبتلا شود».

این عبارت در نسخه قونیه به صورت «گزیدی کسی که از» آمده است که صحیح می‌نماید. معلوم نیست که مصحح واژه «که» را از کجا نقل کرده است.

**صفحه ۳۱ سطر ۷:** «و مرا زیاده از آن نظر ده که سحر دادی و مرا [به] جمال تو زیاده از آن نظر ده که زلیخا را دادی به جمال یوسف».

واژه «به» در نسخه قونیه آمده است؛ اما نسخه اساس فروزانفر آن را ندارد. مصحح این واژه را در متن آورد، اما هیچ توضیحی درباره آن ارائه نداده است.

**صفحه ۲۱۷ سطر ۵ و ۶:** «می‌اندیشیدم که الله خواست مرا از چه وجه دهد الله الهام داد که [تو چه می‌اندیشی از آنکه الله از چه وجهم دهد که بزرگوارتر از آنم که] ترا معلوم کنم که از چه وجهت دهم اگر تو دانشمندی را بمانی چو من بزرگترم به از آنت بدهم».

جمله‌ای که در میان دو قلاب آمده گویا از افزوده‌های مصحح است؛ اما مشخص نکرده که این افزوده‌ها را از کجا آورده است. البته جملات متن، بدون این افزوده نیز کامل و مفید معنی است؛ هم چنین مصحح در جزو سوم معارف نیز با اینکه دو نسخه از این جزو را در اختیار داشته است، اما اضافاتی بدین شکل و بدون ارجاع به نسخه بدل در متن آورده و هیچ توضیحی در این باره ارائه نداده است.

نکته دیگر اینکه در چاپ معارف پاراگراف‌بندی متن به‌طور اصولی رعایت نشده است. پاراگراف‌بندی اصولی به انسجام صورت و محتوای متن می‌انجامد. با تفکیک دقیق سخنان بهاء‌ولد به پاراگراف‌های موضوعی، طرح کلی سخنان او را می‌توان مشخص کرد و به خواننده در فهم ربط مطلب یاری رساند؛ هم‌چنین خودداری در کاربرد علائم سجاوندی و نقطه‌گذاری

دشوارخوانی متن معارف را در پی داشته است. به نظر می‌رسد با کاربرد علایم سجاوندی و نقطه‌گذاری از روی قاعده و در حد اعتدال و دور از افراط و تفریط‌های ذوقی، افزون‌بر تسهیل خوانش و فهم دقیق متن، مواضع دشوار این اثر نیز حل خواهد شد.

## ۵- نتیجه‌گیری

تصحیح کتاب معارف از فروزانفر، نخستین چاپ علمی و انتقادی است که بر مبنای نسخه‌های معتبر انجام شده است؛ اما به سبب برخی نواقص مثل مباحث نسخه‌شناختی، شیوه تصحیح و رعایت نکردن اصول ویرایش، نیازمند بازبینی و تصحیح مجدد است. بنابراین شایسته می‌نماید که چاپ دوباره معارف بر پایه نسخه‌های کهنی مثل نسخه‌های ایاصوفیا و قونیه صورت گیرد؛ هم‌چنین نسخه‌هایی اخیراً در کتابخانه‌های معتبر شناسایی شده است؛ ازین نسخه‌ها برای نسخه کمکی در بازآفرینی روایت اصلی معارف و رفع نواقص و مشکلات آن می‌توان استفاده کرد. نسخه‌های شناخته‌شده معارف و تغییرات و تفاوت‌های متنی آن نشان می‌دهد که سخنان بهاء‌ولد در سیر تاریخی خود، در طول هشت قرن، چه‌اندازه توجه محافل عرفانی را به خود جلب کرده است. به لطف خدای سبحان، نگارنده پس از تهیه نسخه‌های معتبری از اجزای سه‌گانه کتاب معارف، تصحیح دوباره آن را آغاز کرده است. بازسازی روایت اصلی سخنان بهاء‌ولد بر اساس مطالعات نسخه‌شناختی و سبک‌شناختی مسأله دشوار و پیچیده‌ای است؛ اما این اقدام در حکم احیای یکی از موارث اصیل فکری و معنوی عرفان اسلامی در ادب فارسی است.<sup>۳</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱- در مجالس و محافل عرفانی، آمیختگی و الحاقات عجیبی در مجموعه گفتارهای سخنان خانواده عرفانی مولوی صورت گرفته است. شاید این موضوع به سبب انتقال کتبی و شفاهی سخنان بهاء‌ولد، شمس تبریزی، برهان‌الدین محقق ترمذی، مولوی و سلطان ولد، خانواده عرفانی مولانا، در مجالس عرفانی بوده است. چنان‌که آمیختگی عجیب و بسیار واضح گفتارهای شمس با گفتارهای برهان‌الدین محقق ترمذی، معلم روحانی و معنوی مولانا، مؤید این نکته تواند بود. برخی از سخنان شمس که در تصحیح علمی انتقادی استاد محمدعلی موحد (۱۳۶۹) به‌طور قطع از آن شمس تبریزی است، به برهان‌الدین محقق ترمذی نسبت داده شده و در کتاب معارف وی آمده است (رک. محقق ترمذی، ۱۳۷۷: ۶۴-۶۰). جملات کوتاه، مستقل، متنوع و پیوسته

شمس در میان جملات تقریباً طولانی و وصفی برهان‌الدین نمایان است. این موضوع درباره تصحیح توفیق سبحانی از کتاب *فیه مافیة مولوی* (۱۳۸۸) نیز صادق است. ایشان اضافات کاتب را در نسخه شماره ۷۹ قونیه، به‌طور قطع از آن مولوی می‌داند و از آن با عنوان «پیوست‌های نویافته» در تصحیح خود یاد می‌کند؛ اما این اضافات از آن مولوی نیست بلکه متعلق به برخی از مشایخ بزرگ است که مولوی آن را در حواشی متون یادداشت کرده و کاتب در هنگام کتابت، آن مطالب را از روی دست خط مولوی به‌عین رونویسی کرده است (برای تفصیل رک. زهت، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۰). در بازسازی متن اصلی سخنان خانواده عرفانی مولوی، تشخیص این تلفیق انتقال شفاهی و کتبی سخنان آنان ضروری است.

۲- برای نمونه‌های دیگر: (رک. بهاء ولد، ۱۳۸۲: ۳۶، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۶، ۶۹، ۷۴، ۷۶، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳ و ۲۱۶).

۳- به لطف خدای سبحان، نگارنده مدتی است که پس از تهیه نسخه‌های معتبر تازه شناسایی شده از اجزای سه‌گانه کتاب *معارف*، تصحیح آن را آغاز کرده است. هم‌چنین سبحانی برخی از نسخه‌های موجود *معارف* را در کتاب «فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه» به‌اختصار معرفی کرده است (برای اطلاع بیشتر از نسخه‌های موجود کتاب *معارف* در کتابخانه دانشگاه استانبول رک: سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۲۸ و ۲۷۵).

#### منابع

- ۱- افشار، ایرج (۱۳۸۸). «نگاهی به ضابطه‌های نسخه شناسی»، *نامه بهارستان*، سال دهم، دفتر ۱۵، ۱۲۱-۱۳۰.
- ۲- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۶۲). *مناقب العارفین*، به کوشش تحسین یازیچی، تهران: دنیای کتاب.
- ۳- بهاء‌ولد، محمد بن حسین خطیبی بلخی (۱۳۸۲). *معارف*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: انتشارات طهوری، چاپ سوم.
- ۴- ----- (۱۳۹۴). *جزو چهارم معارف*، تصحیح ساسان زند مقدم، تهران: انتشارات طهوری.
- ۵- ----- (کتابت ۷۵۵). *معارف*، نسخه خطی، استانبول: کتابخانه دانشگاه استانبول شماره ۷۹.
- ۶- ----- (کتابت ۷۴۷). *معارف*، نسخه خطی، استانبول: کتابخانه ایاصوفیا

شماره ۶۰۲ .

- ۷- ----- (کتابت ۹۹۴). معارف، نسخه خطی، استانبول: کتابخانه دانشگاه استانبول شماره ۱۲۷۴.
- ۸- تبریزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۹). مقالات، تصحیح و تعلیق محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- ۹- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۰- سبحانی، توفیق (۱۳۷۳). فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۱- سپهسالار، فریدون بن احمد (۱۳۶۸). زندگینامه مولانا جلال‌الدین مولوی، با مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- ۱۲- گوپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۵). مولانا جلال‌الدین زندگانی، فلسفه، آثار، ترجمه و توضیحات توفیق سبحانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۳- لوئیس، فرانکلین دین (۱۳۸۴). مولانا دیروز تا امروز شرق تا غرب، ترجمه حسن لاهوتی، تهران: نامک.
- ۱۴- مایر، فریتس (۱۳۸۲). بهاء‌ولد، ترجمه مهر آفاق بایبوردی، تهران: سروش.
- ۱۵- محقق ترمذی، برهان‌الدین (۱۳۷۷). معارف، تصحیحات و حواشی بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۶- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۸). فیه‌ما‌فیه و بیوست‌های نویافته، تصحیح و توضیح دکتر توفیق سبحانی، تهران: شرکت مطالعات و نشر کتاب پارسه.
- ۱۷- نزهت، بهمن (۱۳۸۹). «نگاهی به تصحیح فیه‌ما‌فیه بر اساس نسخه قونیه»، فصلنامه ادب پژوهی، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۳۳ - ۱۵۵.



(تصویر شماره ۱)





(تصویر شماره ۲)



(تصویر شماره ۳)